

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۱ اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۶۹

مُلحدنامه

-۳۵-

چو شد شمع تابان مهر منیر به کاخ بز^۱ آسمان^۲ جایگیر
سماعیلیان^۳ جمله از چار سوی به بزغاله بازی، نهادند روی

شرح این قسمت از "معروفی" نیست!!!

۱ - جدي

۲ - الف. به کاخ بر آسمان

۳ اسماعیلیان فرقه ای از شیعه امامیه اند، اوشان معتقد اند که پس از مرگ جعفر صادق در قرن هشتم میلادی، امامت به پسر بزرگ وی میرسد، اما چون پسرش اسمعیل پیش از پدر درگذشته بود، امامت به محمد بن اسمعیل منتقل شد، و پس از وفات وی امامت در خاندان وی باقی ماند. اینان در بین اهل سنت به باطنیان معروف اند. دُعَات و یا دعوت کنندگان اسماعیلیه برحسب درجات تعیین میشدند که آخرین مرتبه معتقدان به این مذهب مرتبه «حجت» بود. در بین دعوات عده معدودی توانستند به این مقام نایل آیند؛ حسن صباح و امیرخسرو قبادیانی بلخی این مرتبه را داشتند. امام کنونی اسمعیلیان نزاری که در منطقه الموت تمرکز جغرافیایی داشتند کریم آقا خان نام دارد که زاده ژنو است و اکنون در پاریس اقامت دارند، والا حضرت کریم آقاخان فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد است.

چون اسماعیلیان در حفظ اسرار مذهبی خود سختگیر اند که دستیابی به عقاید شان مشکل میباشد، همین پنهان کاری مفرط سبب رواج شایعات گوناگون در میان غیر اسماعیلیان کشور شده است. به طور مثال یکی از شایعات بین مردم افغانستان این بود که در سر دروازه رهبر اسماعیلیان نوشته ای موجود بود ازین قرار: «اینجا مقام پرزدن جبرئیل نیست.» یک سنی که این نوشته را میببید در زیر آن مینویسد که: «فرعون گشته ای، اما رود نیل نیست.» ممکن این قصه بزغاله بازی نیز از اختراعات ذهنی مخالفین اوشان باشد. اسماعیلیه در بین اکثر ملت به نام غالی و حتی مشرک نامبرده شده. «غالی یعنی غلوکننده در مقام حضرت علی (ع) که معتقدند: «خداوند جهان را آفرید اختیار و اراده آن را به حضرت علی سپرد و آن حضرت قاسم ارزاق است و اوست که بر بالین هر محضر چه مؤمن و چه کافر، حاضر میشود قبض روح شیعیان و حساب روز قیامت به دست اوست....» در صورتی، که اسماعیلیان اتهام غلو را رد نموده خود را مسلمان می دانند و فقط یک گروه از اسماعیلیه را که به نام نصیر ۷۶ معروفند غالی میدانند. اما عجیب اینکه در مملکت ما مردم به مقام ناصر خسرو، که حجت اسمعیلیان است و عقاید مخالف مذهب تسنن

سر ملحدان، خان صباح^۴ پی
 ز خرمانیان^۵ هرکه بود،^۶ نیکزن
 بگفتا: دای راحت افزا رسید
 نیاکان، که در خاک، آسوده اند
 بدین شب دل خویش خرم کنیم
 بسازید نزهتگی چون بهشت^۷
 نخستین خط عیش بر خود کشید
 ز خرمانیان نیز، هفتاد زن
 بیاراست مجلس پی جشن^۸ دی
 طلب کرد و بنشاند با خویشان
 شب عالم افروز یلدا رسید
 درین شب همه شادمان بوده اند
 فرامش ز غمهای عالم کنیم
 بیارید زنها چه خوب و چه زشت
 ز اهل حرم بیست زن برگزید
 دران بزم خرم شدند انجمن

دارد احترام دارند و حتی مقبره اش زیارتگاه عام و خاص می باشد. توجه تان را به این شعر از حکیم ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی در مورد نفی نظریات ائمۀ چهارگانه تسنن معطوف می داریم.

شافعی گفت، که شطرنج مباح است مدام
 بوحنیفه به ازو گوید در باب شراب
 حنبلی گفت، که: گر آن، که به غم درمانی
 گر کنی پیروی مفتی چارم مالک
 بنگ و می میخور و کون میکن و میباز قمار
 کج مبارزید که جز راست نفرموده امام
 که ز جوشیده بخور تا نبود بر تو حرام
 پسته بنگ تناول کن، و سرخوش بخرام
 او هم از بهر تو تجویز کند، وطی غلام
 که مسلمانی ازین چار امام است، تمام

۴ - منظور از حسن صباح پیشوای فرقه اسماعیلیان است وی در ۴۷۳ به ایران رسید و در نواحی خوزستان و اصفهان و یزد و کرمان و دامغان سرگرم دعوت بود و روز تا روز نفوذ او بیشتر میشد، به اندازه ای، که سلجوقیان از عهده جلوگیری او برنیامدند. پس از کامیابی های زیاد در ربیع الآخر سال ۵۱۸ در گذشت. وی مرد زاهد و دیندار بود و فرقه صباحیه بدو انتساب دارد.

افسانه هائی، که در مورد حسن صباح پرداخته شده که کدام منبع اساسی آن را تأیید نمیکند، از آن جمله بنای بهشت ها در پشت قلعه های اوشان، و یا اینکه اوشان هنرجوهای او را که با اختیار وارد قلعه شده و بعد از ورود خصی یا اخته میشده اند و مرتاضگونه هنرهای رزمی و آدم کشی را فرا میگرفتند و با پاک کردن افکار اضافی، جسم و روح خود را پاک نموده و با اراده آهنین راهی ماموریت میشدند.

۵ - ماه دهم سال شمسی یا ماه جدی

۶ - خرمانیان و یا خرمانیان ممکن هدف از فرقه خرمیه باشد، که منسوب به بابک خرمین است. خرمیه دنباله مزدکیان در دوره اسلامی هستند؛ مزدک در سال ۴۶۰م به دنیا آمد. پدرش به قول ابوریحان بیرونی «همدادان» نام داشت. اگر مزدک زن و مال را در آن زمان اشتراکی کرد برای آن بود که اعیان کشور زن و مال را برای خود احتکار نموده بودند. مزدک میگفت کسی حق ندارد حرمسرای برای خود درست کند و همچنان میگفت که مال بخشیدنی ست میان مردمان، که همه بندگان خدای تعالی و فرزندان آدم اند و میگفت که زنان شما مانند مال شمایند، زنان و خانوادهها را مشترک بدانید و در صدد قتل و آزار کسی برنمایید. او حتی کشتن حیوانات را ممنوع قرار داد و گفت که شیر و تخم و دیگر فراورده های حیوانی برای انسان کفایت مینماید. وی تفسیری بر اویستا نوشت که آن را زند نامید ازینرو اعراب مزدکیان را زندیق که معرب زندیق است نامند. کریستن سن میگوید: «به سهولت میتوان فهمید چگونه دشمنان، مزدک را با فسق و فجور و میل به شهوترانی معرفی کرده اند در صورتی، که باطن این طریقت طالب زهد و تقوی بوده است.»

۷ - کسی، که زن خوبرو داشت

۸ - افسانه هائی که در مورد حسن صباح پرداخته شده، که کدام منبع اساسی آن را تأیید نمی کند، از آن جمله بنای بهشت ها در پشت قلعه های اوشان، و یا اینکه اوشان هنرجوهای او را که با اختیار وارد قلعه شده و بعد از ورود خصی یا اخته میشده اند و مرتاضگونه هنر های رزمی و آدم کشی را فرا میگرفتند و با پاک کردن افکار اضافی، جسم و روح خود را پاک نموده و با اراده آهنین راهی ماموریت میشدند.